

تدوین الگوی ماندگاری ادراکی در معماری بر اساس روش نظریه پردازی داده بنیاد متنی

عطیه ملک آورزمانی^۱ - ژاله صابر نژاد^{۲*} - حسن علی پورمند^۳

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۶ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۵/۰۲ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۳/۳۱

چکیده

امروزه یکی از مهم ترین مسائلی که نظر معماران را به خود جلب نموده است، مسئله لزوم جاودانگی در معماری معاصر است. بسیاری از آثاری که خلق می شوند، حتی اگر در یک مقطع زمانی پذیرفته شوند، به بی زمانی و جاودانگی راه نمی برند. اگرچه در سال های اخیر برخی از همایش ها و گردهمایی ها با بررسی آثار جاودانه معماری در این راستا سعی در یافتن چگونگی خلق یک اثر جاودانه در حوزه معماری داشته اند، با این وجود هنوز هم فقدان الگویی مناسب حاصل از مطالعه و بررسی در راستای چگونگی دستیابی به ماندگاری و جاودانگی (ماندگاری تا بی نهایت) در آثار معماری کاملاً احساس می شود. از آنجا که ماندگاری در معماری را از دو بعد می توان بررسی کرد: ماندگاری کالبدی و ماندگاری ادراکی. مقاله حاضر قصد دارد، با انجام پژوهش بر روی بعد ماندگاری ادراکی و چگونگی دستیابی به آن، راه حلی کاربردی به منظور برون رفت از این مسئله را ارائه دهد، تا از این طریق بتوان به ساخت فضاهایی دست یافت، که به نیازهای روحی و درونی انسان در هر زمان پاسخ مثبت دهد، و با طیف وسیعی از انسان ها ارتباط برقرار کند. جهت تبیین مسئله پژوهش، از روش نظریه پردازی داده بنیاد متنی استفاده شده است. یافته های حاصل از پژوهش منجر به تدوین نظریه ماندگاری ادراکی در قالب یک الگوی کدگذاری و نگارش روابط آن ها با یکدیگر شده است. نتایج پژوهش نیز بر این مهم استوار است، که استفاده از الگوهای مشترک آثار ماندگار، شرط لازم برای ماندگاری ادراکی در معماری می باشد، اما شرط کافی نیست. آنچه که الگوهای مشترک را زنده نگه می دارد، استفاده از معنا و توجه به فطرت انسان در قالب رمز و نماد است که با اثرگذاری دو عامل فرهنگ و معنویت بر آن، در کالبد بنا حضور می یابد.

واژگان کلیدی: ماندگاری، ادراک، ماندگاری ادراکی، نظریه پردازی داده بنیاد، معماری.

۱. مقدمه

معماری دست یافت؟ این مقاله دارای هدفی کاربردی به منظور تدوین الگوی ماندگاری ادراکی در معماری براساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد متنی است، که در آن مراحل نظریه‌پردازی داده‌بنیاد برای هر یک از موضوعات ماندگاری در معماری و ادراک ذهنی به طور جداگانه انجام شده و در نهایت، الگوهای کدگذاری و نظریه‌های حاصل از آن‌ها، با هدف رسیدن به نظریه ماندگاری ادراکی، با یکدیگر تطبیق داده شده‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

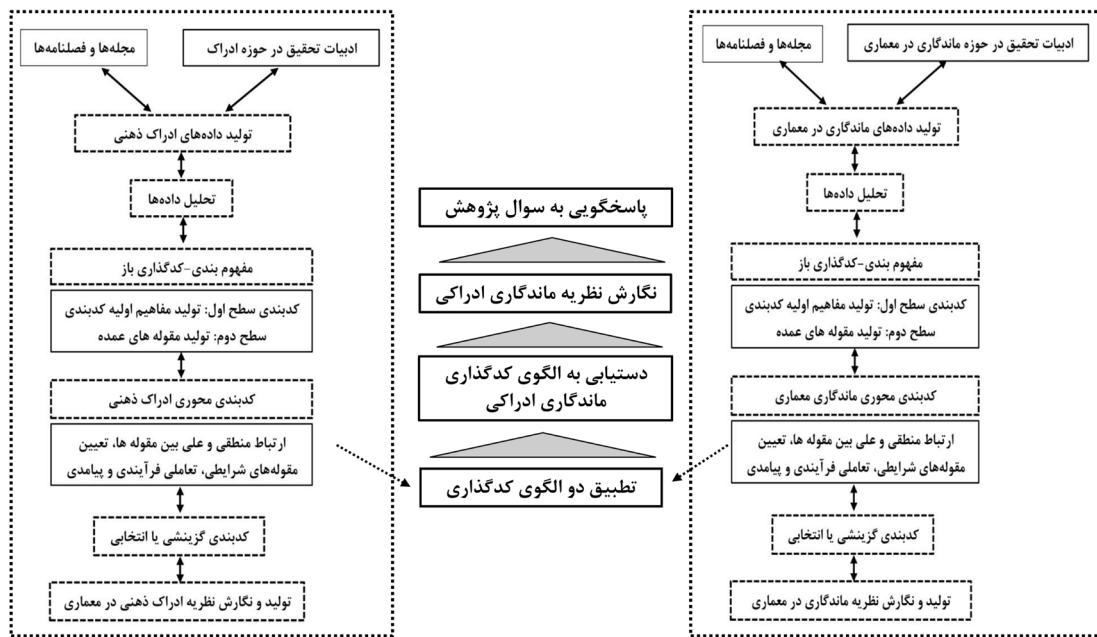
با توجه به پیشینه تحقیق می‌توان گفت، پژوهش‌های اندکی به چگونگی دستیابی به ماندگاری و جاودانگی در آثار معماری اشاره دارند. به عنوان مثال کریستوفر الکساندر، در کتابی با عنوان «معماری و راز جاودانگی؛ راه بی‌زمان ساختن» (۲۰۱۳)، پس از بیان مقدماتی درباره «راه بی‌زمان» و «کیفیت بی‌نام» به معرفی مفاهیمی چون «زبان الگو» و «الگوهای زنده» می‌پردازد، و در مورد روش طراحی و ساخت در معماری سخن می‌گوید. از نظر الکساندر برای یافتن راه بی‌زمان نخست باید کیفیت بی‌نام را بشناسیم. منظور از کیفیت بی‌نام، مبنای اصلی روح هر انسان، شهر، بنا یا طبیعت بکر است. همچنین عبدالحمید نقره کار و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان «راز جاودانگی در آثار معماری (تحلیل بر نگرش نوگرا، فرانوکرا و رویکردهای فراگیرتر)» (۲۰۰۹)، لازمه جاودانگی یک اثر را در توجه هم‌زمان به تمام ابعاد انسانی مطرح در حوزه معماری چون انسان، هنرمند، جامعه، تاریخ، طبیعت و خداوند می‌دانند، به طوری که هنرمند (در نگرش نخبه پسند) و جامعه (در نگرش عام پسند) هر دو به عنوان انسان در ارتباط با دو بعد دیگر؛ طبیعت و خدا هستند، که به وحدت نزدیک می‌شوند و می‌توانند آثار جاودانی را بیافرینند. در راستای موضوع ادراک در معماری نیز، یوهانی پلاسم در کتابی با عنوان «چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی» (۲۰۰۵)، با نگاهی متفاوت به بیان تعریف و جایگاه حواس مختلف می‌پردازد. وی نیاز زنجیره‌وار حواس را به یکدیگر را بیان می‌کند و در باب معماری می‌گوید: یک اثر معماری ساختارهای بدنی و ذهنی را یکی می‌کند و درهم می‌آمیزد. همچنین از جدالی میان حس بینایی و لامسه نیز سخن می‌گوید که در معماری امروز باید به دنبال حد تعادلی در هریک بود. از نظر پلاسم، آنچه که در معماری امروز به فراموشی سپرده شده است، توجه به معنای هستی‌شناختی هریک از عناصر معماری است، این‌که هر یک چه هدف و مفهومی را در خود نهفته دارند، و معمار باید متناسب با ذاتشان، آن‌ها را به کار برد. مطالعات دیگری که در رابطه با این موضوع در منابع موجود است و یا در غالب کنفرانس‌ها و همایش‌ها به آن پرداخته می‌شود، بیشتر در راستای تعریف جاودانگی، توصیف، تحلیل و نقد آثار ماندگار و گذشته معماری است و هنوز هم فقدان روشی منظم و کاربردی، جهت طراحی

انسان به ابدیت میل دارد، و این گرایش براساس حکمت آفرینش الهی در نهاد او قرار داده شده است. تمایل به جاودانگی نمود خود را به طرز عجیبی در همه لایه‌های زندگی انسان به ویژه در آثار معماری نیز نشان می‌دهد. زیرا انسان جاودانگی را قدرت می‌بیند، و معماری تجسم آن قدرت است، که به سبب آن خود را از ناتوانی نجات می‌دهد. شاهکار معماری، علاقه انسان‌ها به بی‌زمانی و تازگی همیشگی را به نمایش می‌گذارد. آثاری که گویی اکنون زاده شده است، و در بعد بی‌زمانی به سر می‌برند. این آثار، ویژگی‌هایی دارند، که آن‌ها را از سایر آثار مشابه متمایز می‌سازد.

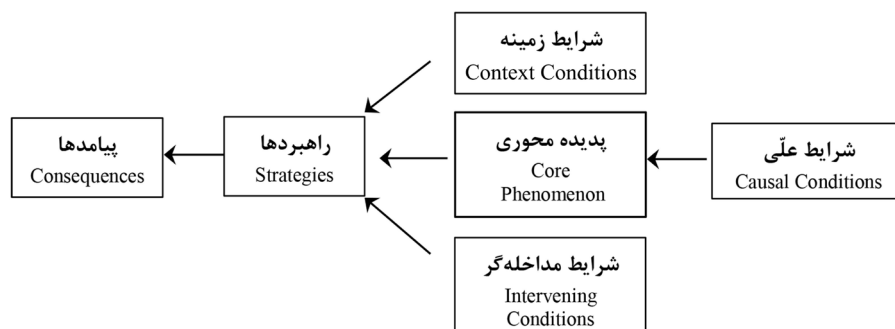
«لفظ جاودانگی و مفهوم آن در حوزه مطالعات فلسفی و کلامی به معنای «ابدیت» و «فناناپذیری» به کار رفته است. با دقت عقلی و فلسفی، روشن می‌شود، که ابدیت و ماندگاری تا بی‌نهایت، شرط لازم جاودانگی است» (Daryani, PourJafar, & Ghobadi, 2015, p. 34). بر همین اساس می‌توان گفت، «ماندگاری» مفهومی کلی‌تر از جاودانگی است، زیرا ماندگاری یک پدیده می‌تواند تنها در برهه‌ای از زمان صورت گیرد، اما اگر این ماندگاری تا بی‌نهایت باقی بماند «جاودانگی» رخ داده است. حال پژوهش حاضر قصد دارد به مفهوم کلی‌تر یعنی «ماندگاری» توجه کند، تا بتواند با ارائه یک الگو هم روش ماندگاری در برهه‌ای از زمان و هم روش ماندگاری تا بی‌زمانی را نشان دهد. برای پرداختن به این موضوع، ماندگاری در معماری را از دو بعد می‌توان بررسی کرد: ماندگاری کالبدی و ماندگاری ادراکی تا بی‌نهایت. لازمه جاودانگی یک اثر معماری، توجه هم‌زمان به این دو بعد می‌باشد. زیرا توجه صرف به ماندگاری کالبدی، اگرچه موجب حفظ بنا در طول زمان می‌شود، اما بدون داشتن ادراک ماندگار، راه به جاودانگی نمی‌برد و تنها به مجسمه‌ای تاریخی تبدیل می‌شود. اهمیت ماندگاری ادراکی در جاودانگی به حدی است که گاه شاهکارهای معماری که با تمامیت انسان سازگار بوده‌اند، اگرچه دست قدرتمند زمان کالبد آن‌ها را دچار دگرگونی کرده است، اما سال‌ها از آن‌ها یاد شده و به عنوان الگو برای آیندگان خود نام برده می‌شوند. در دنیای معاصر با پیشرفت فناوری‌های ساخت بنا، دست یافتن به ماندگاری کالبدی، راحت‌تر از گذشته می‌باشد، اما آنچه در اینجا اهمیت دارد، و کمتر به آن پرداخته شده است، دستیابی به ماندگاری ادراکی در بنای معماری است و این همان چیزی است که هر معمار در طراحی خود به منظور قرار گرفتن در مسیر بی‌زمانی و جاودانگی باید به دنبال آن باشد. به طور کلی ماندگاری ادراکی به این معناست، که گذر زمان نتواند ویژگی‌های شاخص و بارزی که می‌بایست در ادراک فضایی بنا طراحی شود، را تغییر دهد. بر همین اساس، این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان به ماندگاری ادراکی در

ذهنی تجزیه کرده و سپس مراحل نظریه پردازی داده بنیاد را برای هر یک از آن‌ها به طور جداگانه انجام می‌دهند و نظریه‌ای را برای هر کدام در قالب یک الگوی کدگذاری محوری براساس مدل پارادایم «استراوس و کوربین» ارائه می‌دهند. در این مرحله پدیده اصلی را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن بوده‌اند، قرار داده، و سپس مقوله‌های به دست آمده را به آن ربط می‌دهند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: «شرایط علی یا زمینه‌ساز»، «راهردها»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر»، و «پیامدها»، که مشتمل بر ترسیم یک نمودار است و «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود. در ادامه، دو الگوی کدگذاری به دست آمده و نظریه‌های حاصل از آن‌ها، با هدف رسیدن به نظریه ماندگاری ادراکی، با یکدیگر تطبیق داده می‌شوند. نتایج حاصل از این تطبیق منجر به شکل‌گیری یک الگوی کدگذاری برای پدیده اصلی ماندگاری ادراکی خواهد شد و در نهایت با تدوین روابط به دست آمده در الگوی جدید، نظریه ماندگاری ادراکی و چگونگی دستیابی به آن در طرح‌های معماری شرح داده می‌شود. شکل ۱، مراحل انجام پژوهش را نشان می‌دهد.

شکل ۱: مراحل انجام پژوهش



شکل ۲: الگوی کدگذاری محوری براساس مدل پارادایم «استراوس و کوربین»



(Creswell, 2005, p. 401)

۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

با توجه به روش پژوهش داده‌بنیاد که روش موردنظر می‌باشد، نظریه پردازان داده‌بنیاد از روالی استفاده می‌کنند، که مستلزم جمع‌آوری و تحلیل هم زمان و زنجیروار داده‌هاست (Danaeifar & Emami, 2007, p. 10). همچنین در این روش، تحلیل‌گر است که تصمیم می‌گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آن‌ها را پیدا کند (Danaeifar & Emami, 2007, p. 11). بنابراین در این بخش توصیف و تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان انجام می‌شود. براساس این روش ابتدا داده‌های به‌دست آمده، در دو دسته کلی ماندگاری در معماری و ادراک ذهنی مورد بررسی قرار داده می‌شوند و سپس هر یک از آن‌ها با روش داده بنیاد، در دو مرحله کدگذاری باز و محوری مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج به‌دست آمده از تحلیل هر یک از آن‌ها در مرحله کدگذاری انتخابی به نظریه تبدیل می‌شوند. سپس نظریه‌ها و الگوهای کدگذاری پدیده‌های محوری ماندگاری و ادراک ذهنی با یکدیگر تلفیق شده و در نهایت الگوی کدگذاری ماندگاری ادراکی و نظریه حاصل از آن به‌دست می‌آید. این الگو می‌تواند معمار را در جهت رسیدن به طرحی جاودانه یاری نماید.

۴-۱- توصیف و تحلیل ماندگاری در معماری

در این قسمت تحلیل و استنتاج کیفی و دستیابی به چگونگی ماندگاری در معماری از طریق نظریه داده‌بنیاد و با استخراج داده‌ها حاصل از پیشینه تحقیق در راستا ماندگاری و جاودانگی در معماری، دسته‌بندی و تحلیل شده و در نهایت گزینش داده‌های مرتبط و یکپارچه‌سازی آن‌ها انجام می‌شود.

۴-۱-۱- مرحله اول: کدگذاری باز

این مرحله شامل دو قسمت است:

الف- کدبندی سطح اول (تولید مفاهیم اولیه)

در این مرحله ابتدا مطالب مربوط به ماندگاری، خط به خط بررسی و نکات و مضامین کلیدی آن کدگذاری می‌شوند. این کدها در قالب مفاهیمی هستند، که از جملات متن‌های مرتبط با ماندگاری در معماری به‌دست می‌آیند. با بررسی و مطالعه اطلاعات، ۱۱۶ جمله مرتبط با موضوع از متون استخراج شده، سپس مطالب با کدهای تکراری حذف شده و در نهایت ۳۶ جمله کدگذاری شده در جدول ۱، جمع‌آوری شده است (شناسه مربوط به داده‌های ماندگاری در معماری با حرف لاتین (A) نمایش داده شده است.

جدول ۱: تولید مفاهیم اولیه از داده‌های مرتبط با ماندگاری در کدگذاری باز

شناسه	داده‌ها	مفهوم (کد)
A1	معماری زنده به‌عنوان عامل ماندگاری و جاودانگی معماری امروز مطرح می‌شود (PourJafar, 2013, p. 33).	زنده بودن
A2	توجه به فرهنگ، استفاده از کهن الگوهای ماندگار و توانایی جذب مخاطب را می‌توان از دیگر تفاوت‌های میان معماری ماندگار و پایدار بیان نمود (Ibid, p. 33).	کهن الگوها و فرهنگ
A3	بررسی بناهای ماندگار و جاودان در معماری و یافتن هندسه و الگوهایی که به صورت مشترک در این بناها به کار رفته است می‌تواند در دستیابی به ماندگاری در بناها مؤثر باشد (Ibid, p. 33).	هندسه و الگوهای مشترک
A4	در مقاله «جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم»، آنچه به‌عنوان مظهر جاودانگی مطرح شده است، حضور عنصر معنویت است (Ibid, p. 34).	معنویت
A5	شرط لازم برای رسیدن به فضاهای زنده و جاودانه دست یافتن به الگوهای مشترکی است، که متعلق به مکان خاصی نیستند، بلکه در همه جای جهان ماندگار و جاودانه‌اند (Alex-ander, 2011, p. 87).	الگوهای مشترک جهانی
A6	ماندنی یعنی آنچه بتواند باقی باشد و تداوم یابد (Pakzad, 2000, p. 108).	تداوم
A7	به قول لینچ ماندگاری عبارت است از میزان مقاومت عناصر یک شهر در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی است (Pakzad, 2004, p. 109).	مقاومت و تداوم فعالیت
A8	ماندگاری کالبد، به سازه، کالبد فیزیکی و ایستایی آن مربوط می‌شود (PourJafar & Gho-badi, 2014, p. 35).	سازه و ایستایی
A9	معماری، معنای مخصوص به خود را می‌طلبد تا ماندگار شود (Ibid, p. 35).	معنای خاص

شناسه	داده‌ها	مفهوم (کد)
A10	طبق دیدگاه سید حسین نصر و دکتر ابوالقاسمی، آنچه باعث دوام و ماندگاری و جاودانگی در معماری ایرانی است، توجه به معنا و معنویت به همراه توجه به فرهنگ، اقلیم و بستر طرح است (Ibid, 2014, p. 38).	اقلیم و بستر طرح
A11	ماندگاری، بی‌زمان بودن اثری است، که بر ذهن کاربر خود تأثیر می‌گذارد و در ذهن او جاودانه می‌شود (Alexander, 2007, p. 8).	بی‌زمان بودن
A12	فرانک لوید رایت، واژه هویت را راز ماندگاری و جاودانگی اثر معماری می‌داند (Noghrekar, HamzeNejad, & Foruzandeh, 2009, p. 42).	هویت
A13	جاودانه شدن یک پدیده علاوه بر ویژگی‌هایش، بر نحوه برخورد آن با دوره‌های بعدی و همچنین شرایط پیرامون آن مؤثر است (PourJafar & Ghobadi, 2014, p. 36).	توجه به شرایط پیرامونی
A14	انگاره‌های معنوی می‌تواند تصویر ذهنی به یادماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زند و حس تعلق به محیط و فضا را به وجود آورد (Ibid, p. 39).	اعتقادات و آیین‌ها
A15	معنا و انگاره‌های معنوی سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و عدم تکیه بر منافع شخصی و تأکید بر منافع عمومی و روحانی و در نهایت به ارزش‌های جامعه توجه خواهند کرد و این موضوع عامل مهمی برای ماندگاری و جاودانگی مکان محسوب می‌شود (Ibid, p. 51).	توجه به ارزش‌های جامعه
A16	معنا و انگاره‌های معنوی یکی از انگاره‌های سبب‌ساز ماندگاری فضا است که باعث می‌شود، حس تعلق به فضا بیشتر شود (Ibid, p. 39).	معنا و انگاره‌های معنوی
A17	اگر انسان و ابعاد پنهان وجودی او شناخته شوند، می‌توان بر اساس این شناخت معماری مطلوبی به مثابه اثری هنری که قابلیت ماندگاری دارد، خلق کرد (Golabichi, 2012, p. 1).	شناخت انسان و ابعاد پنهان وجودیش
A18	تحسین و جذب مخاطب زمانی جاودانه و همیشگی است، که هنرمند تنها به آنچه مردم در این زمان خواسته‌اند اکتفا نکند، بلکه افقی را برایشان بگشاید که همیشه و در همه زمان‌ها مورد نیاز و توجه مردم باشد و آن‌ها را به لایه‌های متعالی‌تر فرا زمان و مکان دهد (Noghrekar, Hamze Nejad, & Foruzandeh, 2009, p. 36).	فرا زمان و مکان
A19	صرف داشتن الگوهای کهن، دلیل بر ماندگاری و زنده بودن بنا نیست، باید به این نکته توجه نمود، که در بناهای ماندگار، هم فرهنگ و هم مذهب مورد توجه قرار گرفته است و آن‌هایی که وابسته به ادیان الهی هستند و پیروان فراوان دارند، ماندگارترند (PourJafar & Ghobadi, 2014, p. 41).	مذهب
A20	الگوهای معنوی و مقدس و نقش آن‌ها در ماندگاری می‌تواند در معماری نقش‌آفرین باشد (Ibid, p. 41).	الگوهای معنوی و مقدس
A21	آنچه به عنوان ماندگاری در معماری بیان شده، داشتن یک معماری زنده و پویا است که منحصر به زمان خاصی نیست، بلکه در تاریخ ماندگار و جاودانه است (Ibid, p. 46).	زنده و پویا
A22	ماندگاری نوعی تداوم تاریخی و فرهنگی به همراه زنده بودن بنا تلقی می‌شود (Ibid, p. 46).	تداوم تاریخی و فرهنگی
A23	توجه به ماندگارها در طراحی فضا باعث ایجاد تصویر ذهنی ماندگار در مخاطب می‌شود (Izadi, 2015, p. 8).	تصویر ذهنی ماندگار
A24	معماری، تنها آنگاه که با طبیعت سازگار، با زمان همراه و دگرگون‌پذیر و پویا باشد و سرمایه‌آفریننده‌اش درست به کار گرفته شود، می‌تواند پاینده باشد (Izadi & Haghi, 2015, p. 6).	همراه شدن با زمان، دگرگون‌پذیری، سازگاری با طبیعت
A25	کوتاهی عمر بناهای امروزی را می‌توان در جدایی کیفیات آن‌ها از کیفیات ازلی پنداشت (Ibid, p. 6).	توجه به کیفیات ازلی
A26	بناهایی جاودان می‌شوند، که دلایل ماندگاریشان، امری فراتر از فیزیک و ماده باشد و آن روحی است، که در این بناها دمیده می‌شود (Abbakhshaei & Turkaman, 2013, p. 35).	روح بنا

شناسه	داده‌ها	مفهوم (کد)
A27	اسلامی بودن لازمه جاودانگی نیست، اما هویت‌های اسلامی به سبب الهی بودن در ذات خویش جاودانگی را پرورانده‌اند (Zare, 2015, p. 11).	الهی بودن
A28	رودولف آرنه‌ایم به دنبال کشف راز ترکیبات بصری ماندگار در طول تاریخ است. وی مرکز راه‌گشایترین مفهوم در نیل به این هدف می‌داند و دو اصل مرکزگرایی و مرکزگریزی را کلید حل معماری ترکیبات بصری معرفی می‌کند (Nadimi, Mangari, & Mohammadi, 2013, p. 117).	الگوهای مشترک ماندگار (مرکزگرایی و مرکزگریزی)
A29	فضاهایی مانا و پاسخگو ساخته نمی‌شوند، مگر آن‌که به برقراری ارتباط با مفهومی عمیق‌تر یا با اهمیت‌تر توجه کنند (Schultz, 2000, p. 112).	مفهوم عمیق و با اهمیت
A30	در معماری ایرانی آنچه باعث ماندگاری بنا می‌شود، توجه به ابعاد معنوی در معماری و نمود اعتقادات و فرهنگ مردم جامعه در معماری است که با حضور انسان تکامل می‌یابد و در ورای زمان ماندگار می‌شود (PourJafar & Ghobadi, 2014, p. 40).	نمود اعتقادات و فرهنگ
A31	معنا، ارزش، مفهوم و پیام (عقلی و احساسی) یک پدیده و یکی از ابعاد ماندگاری است (Pakzad, 2004, p. 71).	ارزش، مفهوم و پیام
A32	در واقعیت نمی‌توان معنا، کارکرد و کالبد یک پدیده را از هم تفکیک کرد، ماندگاری در هر سه آن‌ها قابل بررسی است (Pakzad, 2000, p. 108).	کارکرد و کالبد
A33	به طور کلی ماندگاری دو بعد دارد، یک بعد آن؛ بعد معنا و مفهوم و بعد دیگر کالبد آن. کالبد آن همان دوام آن است (PourJafar & Ghobadi, 2014, p. 35).	دوام کالبدی
A34	از نظر لینچ، فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یادماندنی و نمایان باشد، تا حس مکان ایجاد کند (Kashi & Bonyadi, 2013, p. 45).	حس مکان
A35	اهمیت شناخت معنا و معنویت، و چگونگی نمود و تداوم آن می‌تواند باعث ایجاد هویت فرهنگی جدید همسو با اعتقادات و فرهنگ جامعه ایران شود (PourJafar & Ghobadi, 2014, p. 38).	هویت فرهنگی
A36	دلیل ماندگاری آثار ماندگار تاریخی، بهره‌گیری معماران آن‌ها از زبان فضایی معنادار بوده است (Lawson, 2012, p. 26).	زبان فضایی معنادار

ب- کدبندی سطح دوم (تولید مقوله‌های عمده)

پس از یافتن مفاهیم مرتبط با ماندگاری در معماری، به مقوله‌بندی آن‌ها می‌پردازیم. «مقوله، طبقه‌بندی مفاهیم است. وقتی که مفاهیم با یکدیگر مقایسه شوند، و به نظر برسند که به پدیده‌های مشابه مربوط‌اند، این مقولات کشف می‌شوند. بدین ترتیب مفاهیم در نظمی بالاتر دسته‌بندی می‌شوند. مقوله مفهومی است، که از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است» (Danaeifar & Emami, 2007, p. 13).

حال روش مقوله‌بندی در این پژوهش از نوع روش انباشتی می‌باشد، که در آن ضمن کار بر روی محتوا و در برخورد با هر مفهوم جدید در جدول ۱، یک طبقه جدید تشکیل می‌شود و مفاهیم مشابه با طبقه جدید را تحت آن عنوان سازماندهی شده‌است. در جدول ۲، مفاهیم هر یک از داده‌های استخراج شده از متن و در نهایت طبقه‌بندی آن‌ها مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که، ۴۴ مفهوم حاصل از ۳۶ جمله بررسی شده در جدول ۱، در ۹ مقوله دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با ماندگاری

شناسه	مفاهیم (کدها)	مقوله‌ها (مؤلفه‌ها)
A1+A11+A18+ A24+A21	بودن+ بی‌زمان بودن+ فرازمان و فرامکان+ همراه شدن با زمان+ دگرگون‌پذیری (انعطاف‌پذیری)	پویایی
A8+A33+A7	سازه و ایستایی+ دوام کالبدی+ مقاومت در برابر فرسودگی و زوال	دوام کالبدی
A7+A32+A6	تداوم فعالیت+ کارکرد	تداوم کارکرد
A16+A20+A19+A27+ A25+A17+A26+A4	انگاره‌های معنوی+ الگوهای مقدس+ مذهب+ الهی بودن+ توجه به کیفیات ازلی+ شناخت انسان و ابعاد پنهانی‌اش+ روح بنا	معنویت

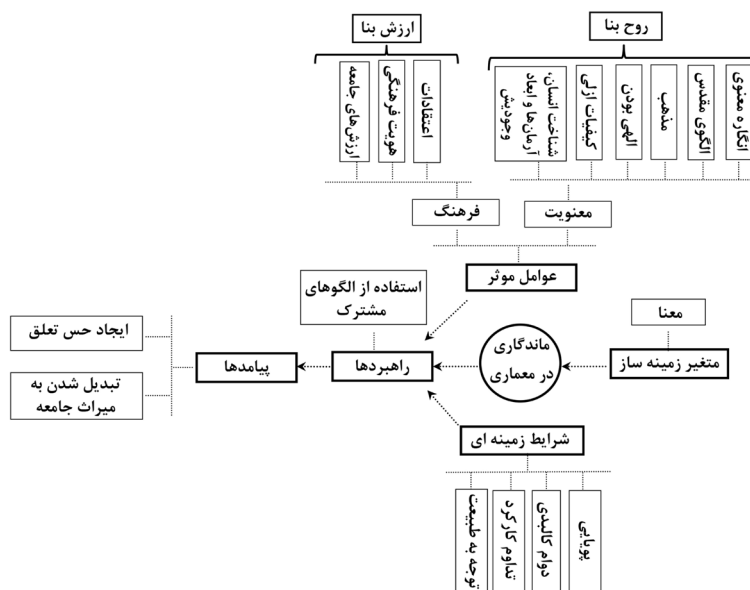
مفهومها (کدها)	مقوله‌ها (مؤلفه‌ها)	شناسه
اعتقادات هویت فرهنگی ارزش‌های جامعه	فرهنگ	A22+A30+A35+ A12+A15+A2+A14
توجه به طبیعت	توجه به طبیعت	A10+A13+A24
هندسه و الگوهای مشترک ماندگار+ کهن الگوها+ الگوهای مشترک جهانی	توجه به الگوهای مشترک	A3+A28+A2+ A5
ارزش و پیام+ مفهوم عمیق و با اهمیت) + معنای خاص+ زبان فضایی معنادار	معنا	A31+A29+A9+ A36
حس مکان+ تصویر ذهنی ماندگار	حس تعلق	A35+A23

«ماندگاری در معماری» را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن هستیم، قرار داده، و سپس مقوله‌ها به دست آمده در جدول ۲، را متناسب با نوع ارتباط آن‌ها با پدیده محوری در مدل پارادایم «استراوس و کوربین»، جاگذاری و به هم ربط می‌دهیم. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است، که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود.

۴-۱-۲- مرحله دوم: کدگذاری محوری^۲

در روش داده بنیاد، ما می‌خواهیم مقولات به دست آمده و روابط بین آن‌ها را کشف کنیم، و آن مقوله‌ها را به شکلی جدید و نه به شکل معمول شناخته شده، به هم ربط دهیم (Mehrabi, Khanifar, Amiri, & Zarei Matin, 2011, p. 11). بنابراین در این مرحله پدیده محوری یعنی

شکل ۳: الگوی کدگذاری پدیده ماندگاری در معماری



۴-۱-۳- مرحله سوم: کدگذاری انتخابی^۵

با توجه به مراحل کدگذاری قبلی و بررسی داده‌ها می‌توان گفت، معنا متغیری زمینه‌ساز در ماندگاری می‌باشد. به عبارت دیگر وجود معنای خاص در فضا و محیط عاملی است، که باعث ماندگاری بنای معماری می‌شود. از آنجا که هر نمود معنایی در کالبد نمی‌تواند ماندگار شود، پس باید با بررسی بناهای جاودان در معماری به یک الگوی مشترک در بین آن‌ها رسید. این الگوی مشترک به ما نشان می‌دهد، که چگونه اطلاعات معنایی خود را در قالب کالبد معماری بگنجانیم، به طوری که تداوم معنایی را

به همراه داشته باشد. از طرف دیگر چون این الگوهای مشترک در طول تاریخ از آزمون ماندگار شدن سر بلند بیرون آمده‌اند، می‌توانند راهنمائی برای ماندگاری در بناهای معاصر باشند. اما نکته قابل توجه آن است که برای تداوم معنا ابتدا باید کالبد و کارکرد آن ماندگار شده باشند. الگوهای مشترک به دست آمده باید در کالبدی مانا (دوام کالبدی به لحاظ ایستایی و سازه) و هماهنگ با طبیعت اطراف خود قرار گیرند، در غیر این صورت محکوم به نابودی خواهند بود و نمی‌توانند در مقابل ناملایمات تاریخ راهی به جاودانگی برند. بنابراین کالبد و تداوم فعالیت‌های درون آن است، که شرایط زمینه‌ای را برای ایجاد معنا در

۴-۲- توصیف و تحلیل ادراک ذهنی در معماری

با توجه به مطالعات انجام شده، دو نوع ادراک را به طور کلی می‌توان برای انسان در نظر گرفت: (۱) ادراک از طریق حواس (ادراکات حسی)، (۲) ادراک از طریق شعور (ادراکات ذهنی). مطالعات بسیاری به شکل‌های گوناگون به بررسی ادراکات حسی پرداخته‌اند، اما آن ادراکی که در این پژوهش مورد نظر است، ادراک ذهنی می‌باشد، که نتیجه آن ایجاد تصویر ذهنی در فرد است. پژوهش حاضر قصد دارد از طریق روش داده‌بنیاد، یک تئوری به شکل منظم و بر اساس بررسی و تحلیل داده‌ها در این زمینه تدوین کند.

۴-۲-۱- مرحله اول: کدگذاری باز

این مرحله شامل دو قسمت است:

الف- کدبندی سطح اول (تولید مفاهیم اولیه)

در این مرحله با توجه به مطالعات انجام شده در راستای ادراک به ویژه ادراک ذهنی، و بررسی خط به خط داده‌ها، ۱۱۸ جمله مرتبط با موضوع از متون استخراج و کدگذاری شده است. سپس مطالب با کدهای تکراری حذف و در نهایت ۴۴ جمله کدگذاری شده در جدول ۳، جمع‌آوری شده است (حرف لاتین (B)، شناسه مربوط به داده‌های ادراک در معماری است).

قالب الگوهای مشترک در بنا فراهم می‌کند. از سوی دیگر همان‌طور که گفته شد این الگوها راهبرد ماندگاری‌اند، اما عواملی بر این راهبردها تأثیر می‌گذارند، عواملی که هر چه تأثیر آن‌ها بیشتر باشد، بنا با اطمینان بیشتری در مسیر ماندگار شدن قرار می‌گیرد. با توجه به بررسی و تحلیل داده‌ها، عوامل مؤثر بر ماندگاری در معماری در دو دسته کلی فرهنگ و معنویت قرار گرفته‌اند. معنویت، آن چیزی است، که باعث ایجاد روح در بنا می‌شود و فرهنگ، به بنا ارزش می‌دهد. اگر در این الگوهای مشترک، انگاره‌های معنوی، الگوی مقدس، مذهب و کیفیات ازلی راه پیدا کنند، روح در بنا دمیده می‌شود و اگر اعتقادات، هویت فرهنگی و ارزش‌های جامعه حضور پیدا کنند، بنا واجد ارزش خواهد شد. بنابراین معنویت و فرهنگ با تأثیر خود بر روی الگوهای مشترک، آن‌ها را به سمت ماندگار شدن و جاودانگی می‌کشانند. در نهایت می‌توان گفت، توجه به ماندگاری در طراحی فضا باعث افزایش حس تعلق به فضا می‌شود. آثار ماندگار حامل اطلاعات معنایی بسیاری، از فرهنگ و مذهب جامعه‌اند و می‌توانند این اطلاعات را به نسل‌های آینده منتقل کنند و باعث حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه خود شوند.

جدول ۳: تولید مفاهیم اولیه از داده‌های مرتبط با ادراک در کدگذاری باز

شناسه	داده‌ها	مفهوم (کد)
B1	یکی از عمده‌ترین فرآیندهای ادراکی «بازشناسی» است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: «شکل، اندازه، رنگ، بافت و وضعیت قرار گرفتن» (Jalali, 2001).	رنگ، بافت، وضعیت قرارگرفتن
B2	از طریق جداسازی شکل و زمینه، اشیاء از هم جدا می‌شوند (Ibid, 2001).	تضاد
B3	معانی با ایجاد ادراکی درونی از فضا، عاملی در به وجود آمدن هویت، زیبایی و لذت از فضای ساخته شده هستند (Falahat, 2006, p. 58).	معانی (معنا)
B4	وراثت و آموزش، هر دو بر ادراک تأثیر می‌گذارند (Jalali, 2001).	وراثت و آموزش
B5	در واقع ادراک، یعنی تفسیر شدن اطلاعات حسی برای معنی بخشیدن به آن‌ها (Cooper, 2009, p. 31).	معنی‌بخشی اطلاعات حسی
B6	در ادراک اجتماعی، افراد با خصوصیتی در ارتباط هستند که قابل مشاهده مستقیم نیست و باید استنباط شوند. مانند: هوش و شخصیت (Jalali, 2001).	هوش و شخصیت
B7	از قابلیت‌های نور فیزیکی در انتقال پیام و ادراک فضا می‌توان استفاده کرد (Kazemi & Khalil Abad, 2011, p. 44).	نور
B8	بهره‌گیری از الگوی هندسی، انگاره‌ای را در ادراک آدمی فراهم می‌سازد تا پیوند وجوه مادی و معنوی را محقق سازد (Ibid, p. 44).	الگوی هندسی
B9	رنگ‌ها به‌عنوان ابزار پیام‌رسان در ادراک معنوی فضا مورد استفاده قرار می‌گیرند (Ibid, p. 44).	رنگ
B10	از عواملی که بر ادراک تأثیر دارند، می‌توان به عوامل روانشناختی فردی (غم و شادی)، انگیزه فرد، عوامل فرهنگی و تجارب حسی قبلی اشاره کرد که هر کدام به نوبه خود بر ادراک فرد از محیط تأثیر می‌گذارد (Barati & Soleiman Nezhad, 2011, p. 22).	عوامل فرهنگی، تجارب حسی قبلی و انگیزه فرد
B11	جنسیت، ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه‌های شخصی نیز ادراک متفاوتی از محیط به وجود می‌آورند (Kazemi & Khalil Abad, 2011, p. 44).	جنسیت و ویژگی‌های شخصیتی

مفهوم (کد)	داده‌ها	شناسه
تجربیات گذشته	انتظارات ناظر از محیط و فضا، که حاصل تجربیات محیطی مکرر در گذشته و برگرفته از حافظه شناختی اوست، در فرآیند ادراک تأثیر بسیار دارد (Pakzad, 2004, p. 29).	B12
واقعیات محسوس	واقعیات محسوس، توسط ادراکات حسی شناسایی شده و پس از تفسیر و تعبیر، ادراک انجام می‌گیرد. تکامل ادراک به شناخت پدیده‌ها منجر می‌شود (Mortazavi, 2001, p. 67).	B13
گیرنده‌های حسی، تفسیر و تعبیر احساس	به کمک گیرنده‌های حسی خود از وجود واقعیات دنیای خارج یا داخل مطلع می‌شویم، و سپس این احساس، پس از تفسیر و تعبیر به ادراک می‌انجامد (Barati & Soleiman, 2011, p. 21).	B14
شدت محرک	برای این که موجود زنده بتواند دو محرک ضعیف را متمایز از یکدیگر احساس کند، باید شدت محرک به اندازه‌ای باشد که بدان حساسیت نشان دهد (Panahi, 2012).	B15
پیام‌های معنادار	معماری مانند: زبان، پیام و پیام‌هایی را منتقل می‌کند، این پیام‌ها از طریق ابعاد کالبدی بنا به ما می‌رسند و در ذهن ما معنا می‌شوند. هنگامی که این اطلاعات در ذهن معنا می‌یابد، ادراکی از بنا در ما پدید می‌آید (Behbudi, 2012, p. 43).	B16
اطلاعات زیبایی‌شناسی و معنایی	گروتر، اطلاعاتی را که از پدیده‌ها به صورت عام و از معماری به شکل خاص به ما می‌رسند را در دو سطح تقسیم‌بندی کرده است: الف- اطلاعات زیبایی‌شناسی (توجه به جنبه عاطفی)، ب- اطلاعات معنایی (Grutter, 2008, p. 9).	B17
ادراک عقلی و دریافت‌های باطنی	ادراک در نزد بیشتر فلاسفه دو گونه اصلی است: الف- ادراک حسی (حاصل دریافت حواس ظاهری)، ب- ادراک عقلی (حاصل دریافت‌های باطنی در تکمیل داده‌های حسی) (Naghi-zadeh & ostadi, 2014, p. 4).	B18
زمان، زاویه دید، سرعت حرکت، قومیت، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تاریخ، سن، باورها، آرمان‌ها، اعتقادات، جهان بینی و خودشناسی	عوامل مؤثر بر ادراک در روانشناسی محیط دو دسته‌اند: الف- عوامل بیرونی مانند: زمان، زاویه دید، سرعت حرکت، محیط و کیفیات آن، ب- عوامل درونی مانند قومیت، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی، تاریخ، سن، جنسیت، تحصیلات و شغل، زبان و عوامل شخصی-ارزشی مانند: جهان‌بینی و باورها، ارزش‌ها و هنجارهای شخصی، آرمان‌ها و اعتقادات، خودشناسی، بینش و نگرش (Ibid, p. 4).	B19
نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر تفکرات محیط اقتصادی، اجتماعی و طبیعی	ادراک فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر تفکرات ادراک کننده بستگی دارد (Salami & Sohangir, 2013, p. 7).	B20
آب و هوا و شرایط اقلیمی، فضای سبز، تراکم جمعیت، رایحه، فرم ساختمان، سر و صدا	عواملی که علاوه بر حواس بر روی ادراک انسان از محیط تأثیر می‌گذارند عبارت‌اند: از محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط اقتصادی، محیط فرهنگی (Ibid, p. 10).	B21
روشنایی و بینایی	عمده‌ترین عوامل محیطی و معمارانه‌ای که بر رفتار فرد در محیط کار تأثیر ویژه‌ای دارند عبارت‌اند از: سر و صدا، آب و هوا و شرایط اقلیمی، تراکم جمعیت، فضای سبز، رنگ، شکل فضا، مبلمان داخلی فضا، رایحه، فرم ساختمان (Ibid, p. 12).	B22
فرم مناسب	میزان روشنایی، موجب افزایش قدرت بینایی و ادراک دقیق‌تر و تشخیص بهتر رنگ‌ها می‌شود (Ibid, p. 12).	B23
فرهنگ جامعه	فرم مناسب باعث ادراک بصری بهتری از فضا و تأثیر مطلوب بر فعالیت انسان و بالا رفتن بازدهی کار می‌شود (Ibid, p. 13).	B24
	فرهنگ جامعه‌ای که فرد در آن شکل گرفته، بر روی ادراک وی از محیط اطرافش مؤثر است (Ibid, p. 13).	B25

شناسه	داده‌ها	مفهوم (کد)
B26	تزیینات مبلمان و رنگ فضا، ادراک مناسب‌تری از فضا می‌دهد (Saremi & Bazuvand, 2014, p. 7).	تزیینات مبلمان
B27	حرکت در درک ارتباطها و سلسله مراتب فضایی مؤثر است (Ibid, p. 6).	حرکت و درک سلسله مراتب فضایی
B28	اطلاعات ادراکی را اپلیارد به سه دسته تقسیم کرده است، یکی از آن‌ها اطلاعات استنباطی می‌باشد که اساس نظام‌های رمزی کردن عناصر محیط است (Lang, 2009).	اطلاعات استنباطی
B29	برای این‌که ادراک دقیق‌تر باشد، باید اندام حسی سالم باشد (Panahi, 2012).	اندام حسی سالم
B30	حالت هیجانی، یکی دیگر از عوامل مؤثر در ادراک است. اگر هیجان وارد عمل شود، ادراک تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Salami & Sohangir, 2013, p. 15).	حالات هیجانی
B31	یکی از عوامل مؤثر در ادراک، توجه یا دقت است. عوامل این توجه در خود محرک یا درون ماست. عوامل دقت می‌تواند درونی یا بیرونی باشد. عوامل بیرونی عبارت‌اند از: اندازه، شدت، حرکت، تضاد، تکرار، تغییر و استمرار. عوامل درونی عبارت‌اند از: نیازهای جسمی، آمادگی ذهنی، آموخته‌های پیشین و رغبت‌ها (Panahi, 2012).	تکرار، تغییر و استمرار، نیازهای جسمی و آمادگی ذهنی
B32	نگرش‌ها، علائق، تمایلات و آرزوها موجب می‌شوند، فرد آن دسته از اشیاء را ادراک کند که مورد علاقه اوست (Jalali, 2001).	علائق و آرزوها
B33	از نظر فریتز استیل مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک شامل شکل و اندازه فضا، درجه محصوریت، تناسب، مقیاس انسانی، بو، صدا و تنوع بصری می‌باشد (Mirkarimi & Isham, 2015, p. 72).	شکل و اندازه فضا، درجه محصوریت، تناسب، مقیاس انسانی و تنوع بصری
B34	ادراکات و تصورات ذهنی نیز خود به خود شکل نمی‌گیرند؛ و خود محصول شرایط و مؤلفه‌های محیطی است (Mazlomi, 2011, p. 136).	مؤلفه‌های محیطی
B35	حواس از ادراک لحظه‌ای انسان ناشی می‌شود و مستقیماً در ادراک فضا مؤثر است (Saremi & Bazuvand, 2014, p. 6).	ادراک لحظه‌ای
B36	هر ادراکی با دریافت حسی آغاز می‌شود و با خلق معنی در ذهن پایان می‌گیرد، اما نکته اساسی تأویل یافته‌هاست که ظهور هر معنی ناگزیر از چنین کنشی است (Kazemi & Behzadfar, 2013, p. 76).	تأویل یافته‌ها
B37	در هر فرآیند ادراکی، خلق معنی صورت می‌گیرد (Ibid, p. 77).	خلق معنی
B38	رمز یا نماد، بیان ادراکی و مشهود است (Sattari, 1997, p. 67).	رمز و نماد
B39	کار قوای محسوسه، ادراک دنیای خارج و عینیات از طریق پنج حس است (Saremi & Bazuvand, 2014, p. 8).	ادراک عینیات
B40	اطلاعاتی که فرد از محیط کسب می‌کند، خواصی نمادین و معنا بخش دارند (Moghen, 2014).	خواص نمادین اطلاعات
B41	ارنست کاسیر می‌گوید ساختار مغز انسان طوری طراحی شده است تا از طریق نمادها به درک بپردازد (Moghen, 2014).	نماد
B42	ادراک فرآیندی است که ما با استفاده از آن محرک‌های محیطی را برای دستیابی به تجربه‌های معنی‌دار بر می‌گزینیم و آن‌ها را سازماندهی و تفسیر می‌کنیم (Barati & Solei-man Nezhad, 2011, p. 22).	تجربیات معنادار، سازماندهی و تفسیر
B43	از نظر فلاسفه، مراتب و گام‌های ادراک عبارت‌اند از: ادراک حسی، ادراک خیالی، ادراک وهمی، ادراک عقلی (Naghizadeh & Ostadi, 2014, p. 10).	ادراک حسی، ادراک خیالی، وهمی و عقلی
B44	در ادبیات معماری، معنا در اثر معماری وجود دارد و رمزگذاری شده است و هنگامی که این پیام توسط ناظر رمزگشایی می‌شود، به آن «ادراک» اطلاق می‌شود (Behbudi, 2012, p. 44).	رمزگشایی معنا

کار بر روی محتوا و در برخورد با هر مفهوم جدید در جدول ۳، یک طبقه جدید تشکیل می‌شود و مفاهیم مشابه با طبقه جدید را تحت آن عنوان سازماندهی می‌کنیم. در جدول زیر، ۷۳ مفهوم از ۴۴ جمله بررسی شده در جدول ۳، در ۱۲ مقوله دسته‌بندی شده‌اند.

ب- کدبندی سطح دوم (تولید مقوله‌های عمده)

پس از یافتن مفاهیم مرتبط با ادراک، به مقوله‌بندی آن‌ها در جدول ۴ می‌پردازیم. روش مقوله‌بندی همان‌طور که گفته شد از نوع روش انباشتی می‌باشد، که در آن ضمن

جدول ۴: مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با ادراک در کدگذاری باز

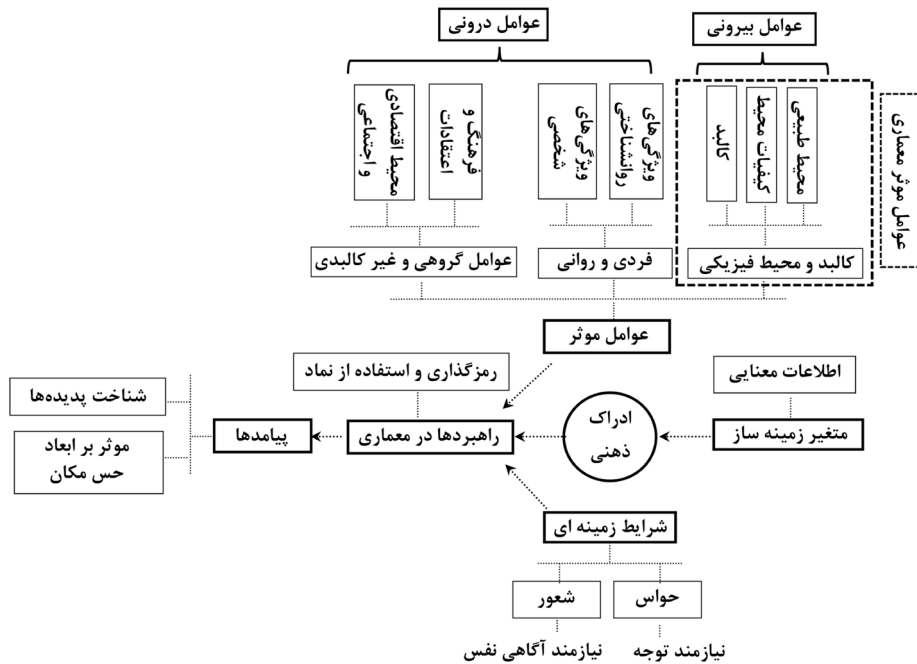
مقوله‌ها (مؤلفه‌ها)	مفاهیم (کدها)	شناسه
فیزیک و کالبد (عوامل پایا در ادراک)	شکل و اندازه فضا+ الگوی هندسی+ رنگ+ بافت+ نور+ تضاد+ فرم مناسب ساختمان+ وضعیت قرارگرفتن+ درجه محصوریت+ مقیاس (مقیاس انسانی)+ تناسب+ حرکت و درک سلسله مراتب فضایی	B1+B2+B7+ B8+ B9+ B24+B22+B27+B33
عوامل پویا در ادراک	زمان+ زاویه دید+ سرعت حرکت+ شدت محرک+ تکرار+ تغییر و استمرار	B15+B19+B31
کیفیات محیطی رایحه+ صدا (سروصدای محیط)+ تزئینات مبلمان	مؤلفه‌های محیطی+ تراکم جمعیت (ازدحام و خلوتی)+ تنوع بصری+ عوامل فرهنگی+ قومیت+ تاریخ+ نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر تفکرات و اعتقادات+ باورها و آرمان‌ها+ جهان‌بینی‌ها	B22+B26+B33+B34
فرهنگ و اعتقادات	تنوع گیاهی و فضای سبز+ آب و هوا+ شرایط اقلیمی	B10+B19+B20+B25
محیط طبیعی	اقتصاد+ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	B21+B22
محیط اقتصادی و اجتماعی	تجربیات معنادار+ پیام‌های معنادار+ معنی‌بخشی اطلاعات حسی+ اطلاعات معنایی+ خلق معنی	B19+B21
اطلاعات معنایی	تجربیات گذشته+ جنسیت+ سن+ تحصیلات و شغل+ نیازهای جسمی+ ویژگی‌های شخصی	B3+B5+B16+ B17+ B37+B42
ویژگی‌های روانشناختی فردی	انگیزه فردی+ تجارب حسی قبلی (غم و شادی)+ حالات هیجانی+ علایق و آرزوها+ نوع نگرش+ خودشناسی+ ارزش‌ها و هنجارهای شخصی	B4+B6+B11+ B12+ B19+B29+B31
رمز و نماد	رمزگشایی معنا+ تاویل یافته‌ها+ نماد+ اطلاعات استنباطی+ خواص نمایان اطلاعات	B10+B19+B30+B32
ادراکات حسی	بینایی+ گیرنده‌های حسی+ اطلاعات زیبایی‌شناسی+ واقعیات محسوس+ ادراک عینیات+ ادراک لحظه‌ای	B44+B28+B36+B38+ B40+B41
ادراکات ذهنی	تفسیر و تعبیر+ سازماندهی+ دریافت‌های باطنی+ ادراک خیالی، وهمی و عقلی	B13+B14+B17+B23+ B35+B39
		B18+B14+B42+B43

۴-۲-۲- مرحله دوم کدگذاری محوری

در این مرحله پدیده محوری یعنی «ادراک ذهنی» را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن هستیم قرار داده، و سپس مقوله‌های به‌دست آمده در جدول ۴، را متناسب با نوع ارتباط آن‌ها با پدیده محوری در مدل پارادایم «استراوس و کوربین»، جاگذاری و به هم ربط می‌دهیم.

این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است، که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود. با توجه به این‌که قصد داریم، ادراک ذهنی را در معماری بررسی کنیم، در شکل ۴، تنها عامل فیزیک و محیط را به عنوان عامل مؤثر بر ادراک ذهنی در معماری در نظر می‌گیریم.

شکل ۴: الگوی کدگذاری پدیده ادراک ذهنی در معماری

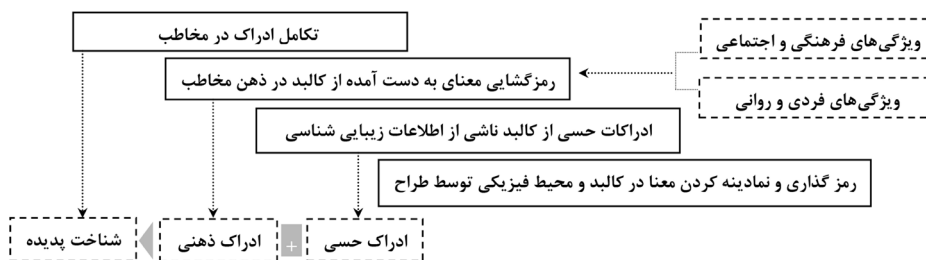


۴-۲-۳- مرحله سوم: کدگذاری انتخابی

با توجه به مراحل کدگذاری محوری و بررسی داده‌ها می‌توان چنین گفت که اطلاعات حاصل از معماری از جمله اطلاعات زیبایی‌شناسی ابتدا توسط حواس انسان درک می‌شوند، که به آن ادراک حسی می‌گویند. حال چنانچه این اطلاعات حسی حامل پیام‌های معنا دار باشند، توسط شعور انسان درک و استنباط می‌شوند. بنابراین حواس و شعور به عنوان ابزارهای درک در انسان، هر دو از عوامل زمینه‌ای ادراک ذهنی به شمار می‌روند و بدون آن‌ها هیچ گونه ادراکی رخ نخواهد داد. از طرف دیگر معنا در معماری جز به واسطه صورت، امکان بروز نمی‌یابد. بنابراین برای دستیابی به ادراک ذهنی در معماری می‌بایست، کالبد و محیط فیزیکی حامل اطلاعات معنایی شوند، اطلاعاتی که از معانی ابتدایی حسی و ملموس خارج شده، و معنای ارزشی و نمادین به خود گیرند. رمز و نماد، این وظیفه را در معماری بر عهده دارند. به عبارت دیگر،

رمزگذاری و نمادپردازی راهبردی برای حل این مسئله در معماری است، زیرا هم دارای کالبد ظاهری‌اند، و هم دارای معنای باطنی، معنایی که برای استنباط و درک وارد ذهن می‌شود و پس از رمزگشایی توسط مخاطب، درک آن صورت می‌گیرد. در اینجا عامل تأثیرگذار بر درک معنای رمزها و نمادها، کالبد و محیط فیزیکی می‌باشد. رمزها و نمادها می‌توانند به صورت‌های گوناگونی در کالبد حضور یابند و این امر بستگی به خلاقیت معمار دارد، که چگونه آن‌ها را در کالبد طرح خود به کار گیرد، به طوری که هم دارای حس زیبایی‌شناسی باشند و هم اطلاعات معنایی و ارزشی را به درستی به مخاطب منتقل کنند. البته نکته اساسی در اینجا، تأویل رمزها و نمادهاست، که ظهور هر معنی در ذهن ناگزیر از چنین کنشی است. حال اگر ادراک ذهنی به درستی صورت گیرد و به تکامل برسد، شناخت پدیده مورد نظر حاصل می‌شود. همچنین ادراکات ذهنی مستقیماً بر ابعاد حس مکان مؤثر خواهند بود.

شکل ۵: شمای فرآیند تحلیل شده



دو الگوی کدگذاری حاصل از آن‌ها (شکل‌های ۳ و ۴) به بررسی و تحلیل ماندگاری ادراکی در قالب یک الگوی کدگذاری جدید پرداخته می‌شود. در نهایت نیز نگارش نظریه حاصل از الگوی کدگذاری ماندگاری ادراکی، پاسخی به سؤال اصلی این مقاله خواهد بود.

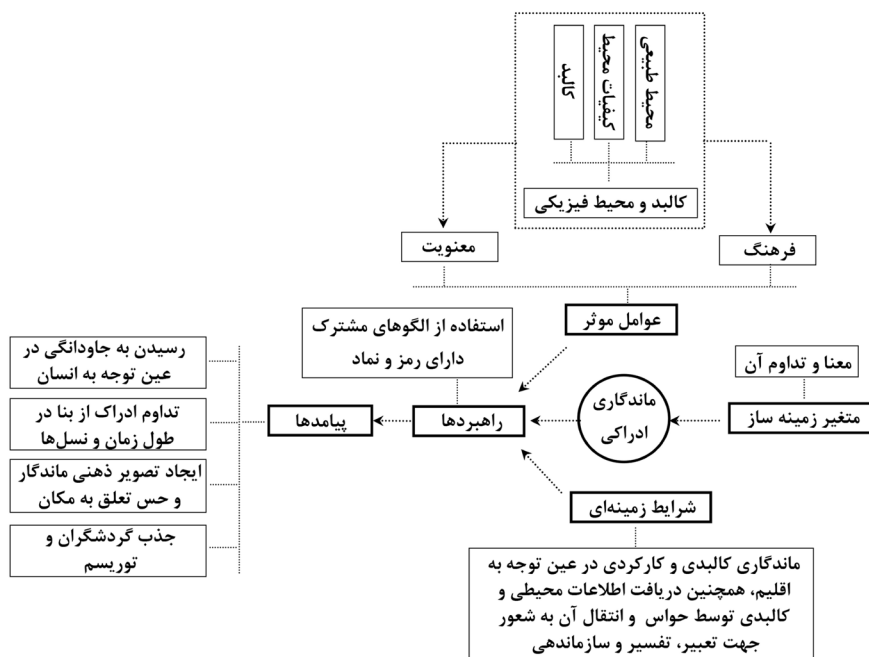
۵. تدوین الگو و نظریه ماندگاری ادراکی در معماری

پس از بررسی دو مفهوم ماندگاری و ادراک ذهنی به طور جداگانه مطابق با مراحل قبلی، در این قسمت، با تطبیق

جدول ۵: تطبیق دو الگوی کدگذاری ماندگاری و ادراک ذهنی در معماری

پدیده محوری	متغیر زمینه‌ساز	عوامل زمینه‌ای	عوامل مؤثر	راهبردها	پیامدها
ماندگاری	معنا	دوام کالبدی (سازه و ایستایی)، تداوم کارکرد، توجه به طبیعت و اقلیم و پویایی	فرهنگ و معنویت	استفاده از الگوهای مشترک	ایجاد حس تعلق و تبدیل شدن به میراث جامعه
ادراک ذهنی	اطلاعات معنایی	حواس و شعور	کالبد و محیط فیزیکی	رمزگذاری و استفاده از نمادها	شناخت پدیده‌ها

شکل ۶: الگوی کدگذاری پدیده محوری ماندگاری ادراکی



۵-۱- نظریه ماندگاری ادراکی در معماری

با توجه به شکل ۶، که از تطبیق دو الگوی کدگذاری ماندگاری و ادراک ذهنی در معماری (شکل‌های ۳ و ۴)، به دست آمده است، می‌توان گفت معنا و تداوم آن، عامل زمینه‌ساز در ماندگاری ادراکی است، به عبارت دیگر وجود معنای خاص و تداوم آن در فضا و محیط عاملی است که باعث ایجاد ادراک ماندگار از بنای معماری در طول زمان می‌شود. معنا قبل از آن که بخواهد توسط مخاطب درک شود، ابتدا باید در کالبد نمود یابد. در واقع با تداوم کالبد معماری است که تداوم معنا رخ می‌دهد. بدیهی است، اگر کالبد به لحاظ سازه و ایستایی مقاوم نباشد و بی‌توجه به

شرایط اقلیمی منطقه خود طراحی شده باشد، نمی‌تواند در مقابل ناملازمات تاریخ، طبیعت و زمان راهی به جاودانگی برد. کالبد اولین چیزی است که مخاطب برای درک معنا با آن مواجه می‌شود. وی ابتدا توسط حواس خود، اطلاعات محیطی و کالبدی را دریافت و سپس آن را به شعور منتقل می‌کند. حال هرچه اطلاعات کالبد مناسب‌تر و حامل اطلاعات زیبایی‌شناسی بیشتری باشد، توجه را که یکی از مهم‌ترین فرآیندهای ادراکی است، به خود جلب کرده، و ادراکات حسی کامل‌تر و دقیق‌تری در مخاطب رخ خواهد داد. بنابراین کالبد ماندگار، حواس و شعور انسان به عنوان عوامل زمینه‌ای برای رسیدن به ادراک ماندگار می‌باشند. حال باید کالبد ماندگار، حامل اطلاعات معنایی شود. اما هر

الگوی به‌دست آمده برای رسیدن به ماندگاری ادراکی در جهان اسلام معنا باید از نوع معنای معنوی و مقدس باشد، زیرا هنر اسلامی بنا به گفته تیتوس بوركهارت، هنر مقدس است. این معنای معنوی در اسلام، ریشه و اصل آسمانی دارد، و به همین جهت الگوهای مقدسی هستند، که در قالب رمزهای مقدس در بنا حضور می‌یابند. اما نوع نگاه به این واقعیات ماوراء عالم و نحوه رمز گذاری و مفاهیم حاصل از آن‌ها از عواملی چون فرهنگ و سنت اسلامی تأثیر می‌پذیرند و با خلاقیت معمار، چنان در کالبد و محیط فیزیکی قرار می‌گیرند، که تحسین هر مخاطب دینداری را بر می‌انگیزد. حال تا زمانی که باورها و ارزش‌های جامعه پیرو اسلام و قوانین آن باشند، این بناها زنده و ماندگار خواهند ماند. در غیر این صورت تنها به عنوان مجسمه‌ای تاریخی، از نظر کالبدی، ماندگار خواهند شد. از سوی دیگر چنانچه خواهان دستیابی به یک ماندگاری ادراکی جهانی باشیم باید به دنبال معنایی بگردیم، که برای همه انسان‌ها در همه دوران‌ها آشنا و قابل درک باشد. به عبارت دیگر معماری بر اساس مشترکات انسانی، آن را جهانی می‌کند. آن چیزی که در همه انسان‌ها مشترک است، چیزی جز فطرت نیست. فطرت، مرتبه ثابت و بی‌زمان و مکان انسان‌هاست و می‌تواند توسط معانی ظاهر شده در معماری، عنصر ثابت و یکسان مخاطب واقع شود. فطرت به آنچه در انسان اساسی و ازلی است، اشاره دارد. بنابراین اگر در الگوی به‌دست آمده، متغیر زمینه‌ساز را معنای فطری در نظر بگیریم آنگاه راهبرد الگوهای مشترک و رمز و نماد، ناشی از فطرت خواهند بود. کهن الگوها دارای چنین ویژگی‌ای هستند و در حافظه ناخودآگاه جمعی انسان‌ها که در اسلام به آن فطرت نیز می‌گویند، ذخیره می‌گردند. کهن الگوها همان صورت‌های ازلی هستند، که بالقوه شکل ندارند، ولی در نماد شکل می‌گیرند (Ershad, 2007, p. 52). پس با بهره‌گیری از کهن الگوها در طرح معماری می‌توان به الگوهای مشترک جهانی متناسب با اقلیم، فرهنگ و مذهب منطقه موردنظر دست یافت. بنابراین کهن الگوها شرط لازم برای ماندگاری ادراکی در جهان هستند و می‌توانند با طیف وسیعی از انسان‌ها ارتباط برقرار کنند. در واقع اگر الگوهای مشترک دارای رمز و نماد، حاصل از نیازهای درونی و فطری انسان باشند، تا زمانی که نسل انسان پابرجاست، بنا همچنان دارای ادراک و معنای تازه و قابل فهم خواهد بود. زیرا فطرت انسان با گذر زمان تغییر نمی‌کند و این گونه است، که جاودانگی بنا در عین توجه به انسان میسر می‌شود و بنا راه به بی‌زمانی می‌برد. از سوی دیگر، چون انسان و نیازهای درونی او در دستیابی به ماندگاری ادراکی به عنوان محور اصلی در نظر گرفته می‌شود و طراحی با توجه به نحوه ادراک او انجام می‌گیرد، در نتیجه فضا به هویتی قابل ادراک و قابل شناسایی تبدیل می‌شود، به طوری که تصویر ذهنی ماندگاری در مخاطب شکل می‌گیرد، و زمینه را برای ایجاد حس تعلق به مکان فراهم می‌کند.

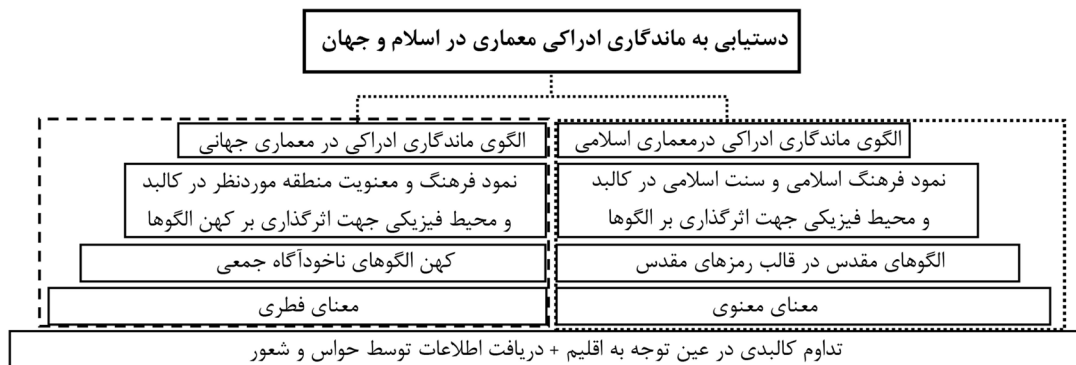
نمود معنایی در کالبد نمی‌تواند ماندگار شود، پس با یافتن الگوهای مشترک از بناهای جاودان می‌توان به چگونگی این نمود معنایی در کالبد دست یافت. الگوهای مشترک، چگونگی پاسخگویی اثر معماری به نیازهای انسان و این که چه معنایی همواره در طول زمان برای انسان خوشایند بوده است را به ما نشان می‌دهند. از طرف دیگر، نماد و رمز راهبرد درک معنا از کالبد معماری هستند و بنا به گفته ارنست کاسیرر، ساختار مغز انسان طوری طراحی شده است، تا از طریق نمادها به درک بپردازد (Cassirer, 1925, p. 174). همچنین رمزها نیز قابلیت‌های بسیار بالایی برای ایجاد ادراک ماندگار در آثار معماری دارند. زیرا رمز پدیده‌ای نیست، که یکبار برای همیشه تبیین شود، بلکه به‌طور مکرر گشوده می‌شود و زایشی پایان‌ناپذیر از نماد و معنا را در ذهن ایجاد می‌کند. این خصلت‌های رمز و نماد موجب می‌شوند، اثر معماری با گذر زمان دچار کهنگی در ادراک و معنا نشود. بنابراین معنا باید در قالب الگوهای مشترک و به صورت رمزگونه و نمادین در کالبد حضور یابد و این راهبرد ماندگاری ادراکی در معماری می‌باشد. اما عواملی بر این راهبرد تأثیر می‌گذارند، عواملی که هرچه تأثیر آن‌ها بیشتر باشد، بنا با اطمینان بیشتری در مسیر ماندگار شدن قرار می‌گیرد. این عوامل، فرهنگ و معنویت می‌باشند که بر الگوهای مشترک دارای رمز و نماد تأثیر گذاشته و در قالب کالبد و محیط فیزیکی مشخصی خود را نشان می‌دهند. در نهایت، تا زمانی که الگوهای مشترک قابلیت پذیرش از سوی مخاطبان را از دست ندهند، بنا با گذر زمان ذره‌ای دچار کهنگی در ادراک نخواهد شد. چنین بنای ماندگاری می‌تواند با تبدیل شدن به میراث جامعه موجب انتقال ارزش‌ها، اعتقادات، آرمان‌ها و فرهنگ جامعه به نسل‌های آینده شود، و با رونق صنعت توریسم و جذب گردشگران، خود را به تمام دنیا و انسان‌ها بشناساند و نه تنها در طول تاریخ بلکه در اذهان نیز زنده و ماندگار باقی بماند.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشش شد، تا با ارائه الگویی به منظور دستیابی به مسیر تداوم و ماندگاری در روند طراحی معماری بتوان به خلق بناهایی دست یافت که پاسخ شفافی به زمان داشته باشند و در یک مقطع زمانی خاص دچار زوال و نابودی نگردند.

با توجه به الگوی به دست آمده از پژوهش، این نتیجه حاصل شد که استفاده از الگوهای مشترک بناهای ماندگار می‌تواند شرط لازم برای ماندگاری ادراکی در معماری باشد، اما شرط کافی نیست. چه بسا بناهایی که از این الگوها استفاده کرده‌اند اما تنها به عنوان یک مجسمه تاریخی مانده‌اند و زنده و جاودانه نشده‌اند. آنچه که الگوهای مشترک را زنده نگاه می‌دارد، استفاده از معنا در قالب رمز و نماد و همچنین توجه به نقش انسان در فضای معماری می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت، بر اساس

شکل ۷: چگونگی دستیابی به ماندگاری ادراکی معماری در اسلام و جهان بر اساس الگوی کدگذاری ماندگاری ادراکی



پی نوشت

1. Grounded Theory
2. Strauss & Corbin
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding

REFERENCES

- Abbakhshaei, Z., & Turkaman, M. (2013). Immortality of Architectural Buildings in the Shadow and Body of Islam. Second National Conference on Islamic Architecture and Urban Planning. https://www.civilica.com/Paper-IAU02-IAU02_234.html
- Alexander, C. (2013). Architecture and the Secret of Immortality; The Timless Way of Building. (M. Ghayoumi Bidhendi, Trans.). Tehran: Shahid Beheshti University.
- Barati, N., & Soleyman Nejad, M.A. (2012). Perception of Stimuli in a Controlled Environment and the Impact of Gender on It (Study Sample: Students of the Faculty of Architecture and Urban Planning, Imam Khomeini International University). *Journal of BAGH-E-NAZAR*, 8 (17), 19-30. <http://ensani.ir/fa/article/>
- Behbudi, R. (2012). The Perception of the Architectural; Study to Measure the Perception of European Tourists from Iranian-Islamic Architecture in Isfahan. *Journal of Architecture Fine Arts*, 17 (3), 41-48. https://jfaup.ut.ac.ir/article_30372.html
- Cassirer, E. (1925). The Philosophy of Symbolic Forms. (Y. Mooghen, Trans.). Tehran: Hermes.
- Creswell, J.W. (2005). Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research. Upper Saddle River: Merrill.
- Danaeifar, H., & Emami, S.M. (2007). Qualitative Research Strategies: A Factor on the Grounded Theory. *Journal of Thought Management*, 1(2), 69-97. http://smt.journals.isu.ac.ir/article_104.html
- Daryani, F., PourJafar, M.R., & Ghobadi, A. (2015). The Concept of Persistence in Islamic Architecture and Its Comparison with the Concept of Sustainability in Contemporary Architecture. *Journal of Islamic Architecture Research*, 2(5), 32-46. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-109-fa.html&sw>
- Ershad, M.H. (2007). The Scope of the Myth (Interview with Hora Yavari). Tehran: Hermes.
- Falahat, M. (2006). The Concept of Place Sense and Its Constituent Factors. *Journal of Architecture Fine Arts*, (26), 57-66. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=49948>
- Gholabchi, M., & Zeynali Farid, A. (2012). Archetypal Architecture. Tehran: Tehran University.
- Grutter, J. (2008). Architectural aesthetics. (J. Pakzad, & H. Abdolreza, Trans.). Tehran: Shahid Beheshti University.
- Izadi, M.S., & Haghi, M.H. (2015). Improvement of Sense of Security in Public Spaces through Urban Design, Case Study: Imam Square in Hamadan. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 2(20), 5-12. https://jfaup.ut.ac.ir/article_56713.html
- Kashi, H., & Bonyadi, N. (2013). Stating the Model of Identity of Place-Sense of Place and Surveying its Constituents; Case Study: Pedestrian Passage of Shahre Rey. *HONAR-HA-YE-ZIBA*. 18(3), 43-52. https://jfaup.ut.ac.ir/article_51317.html
- Kazemi, A., & Behzadfar, M. (2013). Recognition of the System of Environmental Meanings in Historical Environments with Emphasis on the Social Developments of the Audience. Case study: Sighlan Neighborhood of Rasht. *Journal of Urban Studies*. (6), 75-87. http://urbstudies.uok.ac.ir/article_5567.html
- Kazemi, S.M., & Kalantari Khalilabad, H. (2011). Spiritual Message Conveying Instruments in the Architecture of a Mosque with an Emphasize on the Role of Islamic Ideology. *Quarterly Journal of Islamic Iranian City Studies*, 6, 41-46. <http://noo.rs/dL0fr>
- Lang, J. (2009). The Creation of Architectural Theory, the Role of Behavioral Science in Environmental Design. (A.R. Eynifar, Trans.). Tehran: Tehran University.
- Lawson, B. (2012). The Language of Space. (A. Aeinifar, & F. Karimian, Trans.). Tehran: Tehran University.
- Mazlomi, S.M. (2011). Influence Perceptions of Mental Aspects of Sense of Place in Urban Residential Neighborhoods. *Journal of Urban Planning and Research*, 1(3), 131-150. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=304360>
- Mehrabi, A., Khanifar, H., Amiri, A., Zarei Matin, H., & Ghandaghi, G.H. (2011). An Introduction to the Methodology of Grounded Theory for Islamic Research (Presentation of a Sample). *Journal of Organizational Culture Management*, 9(23), 5-30. https://jomc.ut.ac.ir/article_28780.html
- Mirkarimi, M., & Isham, M. (2015). A Conceptual Model to Evaluate the Sense of Place Using Four Factors of Perceptual, Physical, Social and Functional (the Case study of Imam Street in Urmia, Iran). *Quarterly Journal of Urban Studies*, 5(19), 69-79. http://urbstudies.uok.ac.ir/article_33399.html
- Mortazavi, S. (2002). Environmental Psychology and its Application. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Nadimi, M., Mangari, K., & Mohammadi, A. (2013). Atwar Center, an analysis of the concept of the center in architecture. *Iranian Architectural Studies*, 1(5), 115-129. http://jias.kashanu.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-27-36&slc_lang=fa&sid=1
- Naghizadeh, M., & Ostadi, M. (2014). A Comparative Analysis of the Notion of Perception and Its Process in Environmental Psychology and Philosophy with an Emphasis on Its Application to Urban Design. *Journal of Islamic Architecture Research*, 1(3), 3-14. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-151-fa.html&sw>

- Noghrekar, A.H., Hamze Nejad, M., & Foruzandeh, I. (2009). Eternity Secret of Architectural Works (In Modernism, Post Modernism and More Inclusive View). *Journal of BAGH-E NAZAR* , 6(12), 31-44. http://www.bagh-sj.com/article_31.html
- Pakzad, J. (2000). The Quality of Space. *Journal of Abadi*, 37, 100-111. <https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/224147>
- Pakzad, J. (2004). Theoretical Principles and Urban Design Process. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development.
- Pallasma, J. (2005). The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses. (R. Ghods, Trans.). Tehran: Parham Naghsh
- Pourjafar, M.R., & Ghobadi, A.R. (2014). The Concept of Persistence in Islamic Architecture and comparing it to the Concept of Sustainability in Contemporary Architecture. *Journal of Islamic Architecture Research*, 5, 32-46. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-109-fa.html&sw>
- Salami, M.R., & Sohangir, S. (2013). Solution to Improve the Quality of Interaction Man and the Environment, together with the Approach of Environmental Psychology. *Psychological Research*, 19, 79-100. <http://noo.rs/MwvhG>
- Saremi, H.R., & Bazuvand, Kh. (2014). Understanding the Factors that Immortality Iranian Traditional Architectural Architecture to Achieve a National Identity for the Future of Iran. National Congress of Architecture and Sustainable Development. https://www.civilica.com/Paper-IARC01-IARC01_090.html
- Sattari, J. (1997). Phrasing and Sacred Art. Tehran: Center Publishing.
- Schultz, N. (2000). Architecture: Presence, Language, Place. (A. Ahmadian, Trans.). Tehran: Niloofar.
- <http://daneshnameh.roshd.ir>
- <http://ensani.ir/fa/article>
- <https://bfardipour.blogfa.com>
- <https://danesh.roshd.ir>
- <https://maghale-modiriat.persianblog.ir>

نحوه ارجاع به این مقاله

ملک آوزرمانی، عطیه، صابرنژاد، ژاله و پورمند، حسن علی. (۱۳۹۹). تدوین الگوی ماندگاری ادراکی در معماری بر اساس روش نظریه پردازی داده بنیاد متنی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۰)، ۱۸۳-۱۹۹.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.120536.1466

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_108588.html



